



تحولات تاریخی قالی ایران از دیرباز تا دوره معاصر

پدیدآورده (ها) : میرزایی، عبدالله
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه هنر :: اردیبهشت 1390 - شماره 152
از 120 تا 127
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/791830>

APPROVED

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

APPROVED

تحولات تاریخی قالی ایران از دیرباز تا دوره معاصر

عبدالله میرزایی*



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی
تاریخ فرش

سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران

فضل الله حشمتی رضوی

انتشارات سمت، ۱۳۸۷

را بیشتر نمایان ساخت. به طوری که استادان این دروس هر کدام از شیوه‌های جداگانه و منابعی متفاوت برای تدریس این دو درس استفاده می‌کردند که این امر تا حدی نیز باعث آشفتگی در نظرات ارایه شده می‌گردید. با گسترش رشته‌های دانشگاهی فرش دستبافت در چندین دانشگاه کشور کتاب «تاریخ فرش» (سیر تحول و تطور فرش‌بافی ایران) با همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت) توسط استاد فضل الله حشمتی رضوی به عنوان منبع اصلی برای تدریس درس تاریخ فرش ۱ تألیف و در دسترس دانشجویان و استادان فرش قرار گرفت.

کتاب در ۱۰ فصل و ۴۱۴ صفحه تألیف و منتشر شده است. در پیش‌گفتار کتاب نویسنده با اشاره به اینکه چشم‌انداز و مبحث اصلی کتاب مبتنی بر محور دستبافته‌های خواب دار و گره‌خورده یا به طور دقیق‌تر «قالی» است، توجه بافنده را به این نکته که نباید تاریخ و پیشینه‌ی فرشینه‌های بافته شده دیگری از جمله گلیم، حصیر، نم، ورنی و... را در این کتاب جست‌وجو کند، معطوف می‌سازد. در ادامه پیش‌گفتار به نحوه‌ی

جایگاه فرش ایران در میان انبوه هنرهای سنتی و دستی به جای مانده از دوردست‌های تاریخ و فرهنگ هنر ایران در چنان مرتبه‌ای قرار دارد، که از آن به عنوان شناسنامه‌ی فرهنگی کشور یاد می‌شود. این محصول با ارزش از دیرباز به عنوان مهم‌ترین کالای صادراتی ایران به دنیای خارج به شمار می‌آمده است.

فرش‌های ظریف گره‌دار با طرح‌های زیبا و محصورکننده که بیانگر درک و شعور بالای هنری و ثبات سیاسی - اجتماعی در جوامع پدید آورنده دارند، در کنار ابهام در ریشه‌های پیدایش این هنر - صنعت باعث شده تا جوامع مختلفی مدعی پیدایش این هنر در کشورشان باشند. کشف قالی «پازیریک»^۱ به بسیاری از این ابهامات پاسخ داد، ولی نکات تاریک و خلاءهای فراوانی از تاریخ بافت فرش پازیریک تا دوران تیموری و صفوی و از این دوره تا شروع دوره‌ی قاجار وجود داشت که به آنها پرداخته نشده بود. تأسیس رشته‌ی کارشناسی فرش در سال‌های اخیر و تدوین دو عنوان درس «تاریخ فرش ۱» و «تاریخ فرش ۲» جهت تدریس در این دوره‌ها، این کمبود

گردآوری اطلاعات و شیوه‌ی تالیف کتاب با اشاره به ساختار فصل‌های اصلی کتاب پرداخته شده است. به گفته‌ی مؤلف تألیف این کتاب با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با در نظر گرفتن اصولی چون مستند بودن مطالب، تطبیق با سرفصل دروس کارشناسی فرش به‌ویژه تاریخ فرش ۱، روشمند و گاه‌شمار بودن، امانت‌دار بودن در انعکاس نظریات مطرح در زمینه‌ی تاریخ فرش و استفاده از تصاویر و نمونه‌های تاریخی مرتبط صورت گرفته است. نویسنده با اذعان به گستردگی وسیع جغرافیایی تولید فرش دستبافت و رخدادهای متعدد در سیر تاریخی و سیاسی سرزمین ایران و وجود نکات تاریک بسیار در تاریخ این سرزمین با قاطعیت از خلاءهای موجود در محتوای تاریخ فرش ایران سخن می‌راند و راه را برای محققین و پژوهشگران جوان باز می‌گذارد.

اختصاص فصل اول کتاب به «تعاریف و کلیات» فرش دستبافت مدخل مناسبی برای ورود به بحث اصلی می‌باشد. در این فصل می‌خوانیم: فرش واژه‌ای است عربی که در لغت به معنای گسترده و گسترده‌ی است ولی در اصطلاح به زیراندازی گفته می‌شود که با دست یا ماشین بافته می‌شود. ولی واژه‌ی قالی که به نظر می‌رسد، در قرن سوم هجری قمری در نوشته‌ها رایج شده باشد نسبت اختصاری به شهری است که آن را «قالی قلا» می‌نامیدند و در ارمنستان واقع شده است. فرش به‌عنوان زیرانداز سیر تکاملی خود را با پشت سر گذاشتن چهار اسلوب، مالیدن (فرش نمدی) تنیدن تاروپود (فرش تخت)، گره‌زدن (فرش پرزی گره‌دار) که محصول نهایی آن قالی است و در نهایت ماشینی‌شدن (فرش ماشینی) طی کرده است.

در ادامه به «پیشینه‌ی مصالح و مواد اولیه‌ی فرش» دستبافت پرداخته می‌شود این مواد و مصالح عبارتند از: پشم، ابریشم، پنبه، رنگ و نقشه. در «تحولات کانون‌های بافت» فرش ایران که مبحث آخر فصل اول کتاب را تشکیل می‌دهد نویسنده تصویری کلی از شاخصه‌های تولید و هنرمندان مطرح در مهم‌ترین مراکز بافت قالی ایران ارائه می‌دهد.

فصل دوم با عنوان «دوران پیش از تاریخ» مدخلی برای پرداختن به مبحث اصلی کتاب یعنی تاریخ فرش ایران می‌باشد. در ابتدای این فصل نویسنده با عنوان «گاهشماری تاریخی» به تفکیک سال شمار دوران پیش از تاریخ و دوران تاریخی برای درک بهتر خوانندگان از این دوران و نکته آغاز دوران تاریخی یا سلسله‌های حکومتی می‌پردازد. بدین ترتیب که دوران پیش از تاریخ را به همان وقایع قدیمی معروف به عصر حجر اخیر، مس، مفرغ و آهن تقسیم بندی نموده که از سال ۶۰۰۰ قبل از میلاد آغاز و تا سال ۵۵۰ قبل از میلاد یعنی آغاز سلسله‌های حکومتی ادامه می‌یابد. دوران تاریخی نیز از حدود سال‌های ۵۵۰ پیش از میلاد با حکومت هخامنشیان آغاز و با جایگزینی سلسله‌های سلوکیان، اشکانیان و سپس ساسانیان ادامه می‌یابد. دوره‌ی اسلامی نیز خود به بخش‌های مختلفی بر اساس حکومت‌های مستقر در ایران به ترتیب به سده‌های نخستین، سلجوقیان، مغولان، تیموریان، صفویان، قاجاریان، پهلوی و جمهوری اسلامی تقسیم شده‌اند.

در بحث «فرش در اسطوره‌ها» به جایگاه فرش در اساطیر ایران قبل از اسلام پرداخته می‌شود. اسطوره که روایت‌کننده‌ی یک پدیده‌ی تاریخی است، در بطن خود با نظام خاصی در ارتباط است که بخشی از آن با نمادها و نشانه‌ها توأم است. به سخن دیگر اسطوره‌ها اغلب به‌وسیله‌ی همین

نشانه‌ها معنی می‌یابند. برخی از پژوهشگران معاصر از جمله سیروس پرهام در بررسی جلوه‌های اسطوره‌ای و نمادین کهن در قالی‌بافی، با رمزگشایی نقش‌مایه‌ها و آرایه‌های فرش دستبافت، بخشی از تاریکی‌های فرهنگی و تاریخی این هنر را روشن ساخته‌اند.

پیوند نزدیک میان اسطوره و تاریخ به روشن شدن برخی نکات تاریخی در اساطیر کمک می‌کند. به همین علت نویسنده با توسل به شاهنامه‌ی فردوسی که حاوی اساطیر و داستان‌های کهن بسیاری است، و نیز روایت‌های اوستا، به بررسی جایگاه رشتن، و بافتن در میان اساطیر شاهنامه می‌پردازد. کتاب شاهنامه فردوسی درباره‌ی «گسترده‌ی» و «رشتن» در ایران و مبدع آن (با اشاره به تهمورث پسر هوشنگ) چنین می‌نویسد:

پس از پشت میش و بره، پشم و موی

بریدند به رشتن نهادند روی

به کوشش از آن کرد پوشش به جای

به گسترده‌ی بود او رهنمای

بدین ترتیب آغاز فرش‌بافی و رشتن و بافتن به زمان تهمورث یعنی نخستین پادشاه سلسله‌ی پیشدادیان پیوند می‌خورد. بررسی‌های تاریخی و آثار مکشوفه از شهر سوخته، تپه حصار، و مناطق باستانی دامنه‌های رشته کوه البرز نشان می‌دهند که بافت فرش پرزدار در عصر مفرغ در نجد ایران رایج بوده است.

نویسنده در فصل سوم و با عنوان «دوران باستان» به بررسی گزارش‌ها و یافته‌های باستانشناسی از دوران تاریخی ایران با اشاره به حکومت‌های ماد و هخامنشی و سال‌های پس از آن می‌پردازد. در این بخش با استناد به نوشته‌های مورخان یونانی ق. م. و محققان خارجی صنایع دستی و هنری ایران و نیز تصاویر نقش برجسته موجود از دوران باشکوه هخامنشی سعی شده تا دلایل کافی و مستند از رونق قالی‌بافی ایران در این سال‌ها ارایه شود. از جمله مهم‌ترین این شواهد قالی معروف به پازیریک است. (تصویر ۱) مؤلف با تقسیم موضوع این قالی به چهار بخش مجزا به معرفی محل و چگونگی کشف قالی و مشخصات آن می‌پردازد.



تصویر ۱- قالی پازیریک، موزه ارمیتاژ لنینگراد، منبع ۸، ص ۳۵

در ادامه تحت عنوان بخش ماجراها و چالش‌های فرش پازیریک به بیان روایت‌ها و نظریه‌های فرش‌شناسان مشهور جهان در مورد منشأ فرش پازیریک پرداخته شده است. مؤلف با اشاره به نقش مؤثر دکتر سیروس پرهام^۲ در نقد علمی نظریه‌های مغرضانه در مورد منشأ فرش پازیریک، تلاش‌های وی را خنثی‌کنندهی تعصبات کور وطن‌گرایی غربیان در مورد منشاء این فرش می‌داند. این بخش با روایت کاشف فرش پازیریک پروفیسور رودنکو^۳ از نحوه‌ی کشف و نوع ساختار نقشمایه‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن و ارتباط این نقشمایه‌ها با نگاره‌های هخامنشی در جهت تأیید ایرانی بودن فرش مذکور پایان می‌پذیرد.

حکومت هخامنشیان با حمله‌ی اسکندر مقدونی (۳۳۱ ق.م) و استقرار حکومت سلوکیان پایان می‌پذیرد. از دوره‌ی سلوکیان شواهدی مبنی بر وجود قالی‌بافی در ایران در کتاب ارایه نشده است. از دوره‌ی اشکانیان (۲۵۰ ق.م - ۲۲۶ م) که مقارن است با ظهور مسیحیت و وقوع جنگ‌های مداوم میان ایران و روم، قلععاتی از چندین فرش در آسیا پیدا شده است که از جمله‌ی آنها می‌توان به فرش مقبره‌ی «لوکان» در چین با اصالت ایرانی - قفقازی، تکه فرش کوچک لولان و تورفان واقع در ترکستان شرقی اشاره کرد.

با فتح تیسفون در سال ۲۲۶ م و بر تخت نشستن اردشیر پادشاهی سلسله ساسانیان شروع می‌شود. در این دوره امور فرهنگی و هنری ایرانیان به همراه اوضاع تشکیلات حکومتی تحول چشمگیری یافته و هنرها و صنایع دستی رونق می‌یابد. «به گواهی تاریخ هنگامی که در سال ۶۲۸ م هرقل امپراتور بیزانس کاخ خسرو دوم (خسرو پرویز) پادشاه ساسانی را تاراج کرد، در میان بسیاری پارچه‌های نفیس و بافته‌های دستی، قالی‌های گره‌بافت نرم و فرش‌های سوزن‌دوزی شده به دست آورد.»^۴ مؤلف در میان وقایع فرش‌بافی دوران ساسانیان به دو نمونه‌ی بارز تأکید دارد، یکی تکه فرش شهر قوس که در سال ۱۹۶۷ م همراه منسوجات دیگر نزدیکی دامغان کنونی کشف شد و بافته‌ای پرزدار همراه با فر به رنگ کرم با پشم خودرنگ می‌باشد. نمونه‌ی معروف‌تر فرش تاریخی و جواهرنشان بهارستان است که در حمله‌ی اعراب به ایران در زمان خلیفه‌ی دوم به غنیمت برده شد. علی‌رغم اینکه نمونه‌ای از این بافته به دست نیامده ولی گزارشات موثق زیادی مبنی بر وجود این قالی از مورخان اسلامی برجای مانده است. از آن جمله می‌توان به کتاب‌های تاریخ طبری نوشته‌ی محمد بن جریر طبری (حدود ۲۲۶-۳۱۰ ه.ق) تاریخ نامه‌ی طبری (۳۵۲ ه.ق)، تجارب الامم نوشته‌ی ابوعلی مسکویه رازی (۳۲۰-۴۲۱ ه.ق) اشاره کرد.^۵ «این فرش شصت گز در شصت گز بوده، در نقش آن راه‌ها می‌دیدید که از نگاره‌های گوناگون پدید شده بود و جویباری از گوه‌ها که دریافت آن به کار برده بودند و دیری که در میانه به چشم می‌خورد. بر کناره‌ی آن کشتزاری بود سرسبز و پر گیاه و بر آن نگاره‌هایی بنگاشته بودند که در خور زمستان بود...» فرش را همین که نزد عمر در مدینه آوردند عمر مردم را گرد کرد، پس از آن فرش را تکه تکه کرده و در میان یاران بهر کرد.^۶ «اشاره به سالنامه چینی «سوئی سو»^۷ از قول پروفیسور یوپ که در آن از فرش‌های پشمی ایرانی یاد شده است و تاریخ آن اندکی قبل از انقراض سلسله‌ی ساسانی بوده است بخش پایانی این فصل را تشکیل می‌دهد.

فصل چهارم کتاب اختصاص به دوره‌ی اسلامی از آغاز تا شروع دوره‌ی ایلخانی دارد. در آغاز این فصل نویسنده به بررسی اجمالی مبانی اعتقادی و

نظری آیین جدید در مورد هنر و تصویرسازی می‌پردازد. سپس با اشاره به دردست نبودن نمونه‌ای از قالی‌های نخستین دوره‌ی اسلامی در ایران به بررسی جایگاه فرش در متون تاریخی و جغرافیایی پرداخته است. از جمله کتاب‌هایی که در سال‌های اولیه دوران اسلامی به وجود قالی و قالی‌بافی در ایران اشاره نموده‌اند می‌توان به کتب حدود العالم من المشرق الی مغرب مربوط به سال ۳۷۲ ه.ق، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم نوشته محمد بن احمد مقدسی، مالک الممالک نوشته‌ی اصطخری و صوره الارض تألیف ابن حوقل، تاریخ سیستان، تاریخ بیهقی و... اشاره کرد.

واژه‌ی قالی در شعر فارسی نیز اولین بار در این دوره و در شعر یازرودکی (۳۲۹ ه.ق) دیده شده است.

نه پرد لیل اندریاغ جز بر بسد (مرجان) و مینا
نه پوید آهواندر دشت جز بر قالی پرنون (پرنیان و حریر)
در کتاب «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی» تألیف گی لسترنج بیشتر اطلاعات مربوط به این دوره جمع‌آوری و یکجا ارایه شده است.

دوره‌ی ایلخانیان، تیموریان و ترکمانان که از سال ۶۱۵ ه.ق آغاز می‌شوند عنوان فصل پنجم کتاب را تشکیل می‌دهد. دوران هریک از این حکومت‌ها در این بخش به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است.

از شواهد قالی‌بافی در دوره‌ی ایلخانیان به نوشته‌های از پرفیسور ویلهام میستر مینی بر مفروش نمودن کاخ غازان خان در تبریز با فرش‌های فارس و سفرنامه‌ی ابن بطوطه مراکشی (۷۰۳-۷۷۹ ه.ق) که از فرش‌های حرم امام رضاع) در مشهد یاد می‌کند، اشاره شده است. شواهد فراوانی مبنی بر رونق قالی‌بافی از دوره‌ی تیموری دردست می‌باشد، از جمله ذکر وقایع سال ۸۳۰ ه.ق که حافظ ابرودر «زبده التواریخ» اشاره به «قالی‌های خوب» این دوره می‌کند. انعکاس تصاویر و نقشه‌های متعدد فرش بر روی آثار نگارگری این دوره که حکایت از رونق فراوان قالی و قالی‌بافی در دوره تیموری و مرکز آن هرات دارد، و نیز تشابه طرح جلد کتاب‌های این دوره با گروهی از طرح‌های فرش به نام لچک ترنج و رواج گسترده طرح ماهی درهم یا هراتی در هنرهای سنتی شاهد دیگری بر این مدعا است.

از قالی‌بافی دوره‌ی ترکمانان سه دلیل قابل ذکر وجود دارد، یکی گزارش‌های باربارو^۸ سفیر ونیز در دربار اوزون حسن در تبریز، دومی فرش پوسیده موزه‌ی بوستن آمریکا با اندازه‌ی ۵۲۶ در ۲۱۴ سانتی متر و سومی قدیمی‌ترین زیلوی موجود در ایران (۸۰۸ ه.ق) که از مسجد جامع میبد یزد به دست آمده است.

فصل ششم کتاب به بررسی تاریخ فرش در دوران صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ ه.ق) عصر زرین قالی‌بافی پرداخته است. پادشاهان این سلسله علاوه بر برقراری حکومت مقتدر و یکپارچه در تمام سرزمین ایران، باعث و بانی شکوفایی هنر و صنعت ملی به‌ویژه هنر قالی‌بافی شدند. به لحاظ اهمیت و جایگاه دوره‌ی صفوی در تاریخ قالی‌بافی ایران، مؤلف با تقسیم دوران حکومت صفویه به سه بخش اصلی بر اساس سلطنت سه پادشاه تأثیرگذار یعنی شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰ ه.ق) در تبریز، شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ه.ق) در قزوین و شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق) در اصفهان به تفصیل به تحولات این دوران پرداخته است.

الف) - شاه اسماعیل مؤسس پادشاهی صفوی با دعوت و حمایت

از هنرمندان، شهر تبریز را مرکز هنری و فرهنگی ایران قرار داد و در این شهر کارگاه‌های قالی‌بافی دایر کرد. مرکزیت تبریز به لحاظ تجمع هنرمندان بزرگی چون بهزاد و سلطان محمد و نیز انجام امورات بازرگانی و داد و ستد قالی در این دوره مورد تأیید اغلب مورخان است.

ب) شاه طهماسب صفوی هم مانند پدرش هنرمندان را گرامی می‌داشت و خود هم به طرح و نقش قالی دل بسته بود. در این دوره قالی ایران در زیبایی و نقش و ظرافت بافت به حد کمال رسیده و همواره به عنوان تحفه‌ای به کشورهای همسایه فرستاده می‌شد. تعدادی از مشهورترین و درخشان‌ترین قالی‌های نفیس و تاریخی ایران و در رأس آنها قالی مشهور اردبیل که به نام «فرش شیخ صفی»^۴ معروف است، در این دوره بافته شده‌اند. (تصویر ۲)

در این مکتب علاوه بر اندازه و ظاهر فرش‌ها، تغییراتی در مواد و مصالح فرش هم ایجاد شد. زیرا بافت فرش‌های بزرگ پارچه برای کاخ‌ها و تالارهای شاهی و اشراف با استفاده از ابریشم و مقتول‌های زرین و سیمین رواج یافت.

جهانگردان غربی و کارگاه‌های قالی‌بافی عنوان بخشی است که مؤلف در آن به ارائه مستندات که سیاحان خارجی از وضعیت قالی و قالی‌بافی ایران دوره صفوی گزارش کرده‌اند، پرداخته است. از جمله معروفترین این سیاحان «دلاواله»^۵ جهانگرد ایتالیایی، «ژان شاردن»^۶ سیاح فرانسوی، «کروزینسکی»^۷ کشیش لهستانی، «راجر ساروی»^۸ ایرانشناس غربی و در نهایت «پیشارت هکلوت»^۹ سیاح انگلیسی می‌باشند. در زمان شاه عباس فرش به عنوان مهم‌ترین کالای تجاری ایران شناخته شد. زیرا تولید محدود به استفاده دربار نبود، بلکه این کالای هنری برای فروش به اروپا و هندوستان صادر و سود سرشاری نصیب خزانه شاهی می‌شد. به لحاظ گستردگی و تنوع طرح‌های دوره صفوی، نویسنده کتاب برای شناخت بهتر فرش‌های این دوره با ارایه جدولی، معروف‌ترین فرش‌های دوره صفوی را با ذکر تاریخ، محل بافت و محل نگهداری فعلی این فرش‌ها معرفی و سپس دسته‌بندی‌های مختلفی از این طرح‌ها ارایه نموده است. از جمله: دسته‌بندی فرش‌ها بر اساس تاریخ، طرح و نقش، معرفیت به نام کشور یا محل نگهداری و دسته‌بندی بر اساس اسلوب بافت می‌باشد.

در بخش پایانی بررسی فرش دوره صفوی علل اعتلای هنر قالی‌بافی ایران در این دوره به صورت فهرست وار بیان شده است، که از آن جمله، ایجاد ثبات سیاسی با پشتوانه‌ی مذهب تشیع، علاقه پادشاهان به هنر، تجاری‌بودن فرش، مواد اولیه مرغوب، کیفیت بافت، حمایت بی‌دریغ دربار از هنرمندان در این بین مؤثر بوده‌اند. فرش‌های دوران صفوی به روایت تصویر، بخش نهایی این فصل را تشکیل می‌دهد که در آن به معرفی نمونه‌های معروف و زیبای فرش‌های دوره صفوی پرداخته شده است. دودمان سلسله صفوی در سال ۱۱۳۵ ه. ق با حمله محمود افغان درهم پیچیده شد.

فصل هفتم کتاب به بررسی فرش‌بافی دوران افشاریان و زندیان می‌پردازد. تاریخ این دوره همواره با جنگ‌های داخلی و خارجی همراه بوده است. از دوره افشاریان ذکر گزارش‌هایی از وجود فرش در مراسم تاجگذاری نادرشاه در دشت مغان و در دسترس بودن فرش در بازار بندر عباس، سفارش‌های بافت برای پوشاندن حرم امام علی (علیه السلام) و کلیسای ایروان، محتوای اصلی این قسمت را تشکیل می‌دهد. از دوره زندیان مستنداتی چون گزارش «سرجان مالکم»^{۱۰} درباره‌ی وجود قالی‌بافی گسترده در یزد، کاشان، طبس و شهرهای خراسان، وجود دو تخته قالی تاریخ‌دار مربوط به این دوره، ارایه شده است. بررسی قالی‌بافی دوره افشاریه و زندیه نشان می‌دهد که در این دوره بافت فرش‌های بزرگ پارچه و زینتی کاهش چشمگیر داشته و قالی‌بافی بیشتر در میان عشایر و روستاییان رایج بوده است.

بررسی تحولات فرش دوره قاجار در فصل هشتم بررسی شده است. پادشاهی این سلسله طولانی مدت (۱۲۱۰-۱۳۴۳ ه.ق) زمینه‌ساز تحولات مهمی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بوده^{۱۱} و تأثیر این تحولات در قالی‌بافی ایران بسیار گسترده است. حکومت طولانی مدت قاجار باعث شد تا هنرها تحت سرپرستی بهتری قرار گرفته و قالی‌بافی در کانون توجه



تصویر ۲- قالی اردبیل، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، منبع ۴، (تصویر ۴۱)

پ) شاه عباس صفوی در سال ۱۰۰۶ ه. ق پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد. این شهر به زودی به مرکز با شکوه و بی‌سابقه هنر ایران تبدیل شد. هنری که از آن به عنوان «مکتب اصفهان» یاد می‌شود.



قالی ترنجدار، دوره صفوی، موزه ایران باستان، منبع ۲، ص ۱۷

در سال ۱۳۱۴ ه.ش بود. در این دوره دولت سعی کرد تا با تصویب قوانینی مانع از استعمار کارگران و کودکان خردسال به دست کارفرمایان شود. ولی به دلیل شرایط سخت قالی‌بافی و پراکندگی وسیع آن در کشور، توفیق چندانی در این زمینه حاصل نشد.

دقیق‌ترین آمار در زمینه‌ی فرش از دوره پهلوی، مربوط به سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ ه.ش می‌باشد که مؤلف با استناد به آن توزیع تعداد کارگاه‌های قالی‌بافی در کلیه استان‌های کشور را در قالب جدولی مشخص کرده است. طبق این جدول استان‌های خراسان، آذربایجان شرقی و استان مرکزی با بیشترین کارگاه قالی‌بافی در رده‌های اول تا سوم و استان‌های بوشهر، گیلان و هرمزگان با کمترین تعداد کارگاه در ردیف‌های آخر قرار دارند. اختراع دار بهداشتی توسط مهندس ابراهیم رجبی در سال ۱۳۵۰ و ثبت آن در دایرةالمعارف بهداشت و حفاظت صنعتی زنو از جمله اتفاقات مثبت این دوره بود. شیوع استفاده از گره جفتی و بی‌گره‌بافی در شرق و جنوب شرق کشور نیز از جمله آفات و معایب قالی‌بافی این دوره می‌باشد.

رسمیت یافتن واحد «متر» در معاملات فرش، انتشار کاغذهای شطرنجی، صدور شناسنامه برای فرش، جمع‌آوری نقشه‌های قدیمی، تشکیل کمیسیون قالی و آموزش قالی‌بافی و نقشه‌کشی از رخدادهای مهم در زمینه‌ی قالی این دوره بود که نشان از تحولات جدی و اهمیت یافتن قالی‌بافی در میان دولتمردان و نمایندگان مجلس وقت دارد.

ورود فرش ماشینی در دوره‌ی پهلوی دوم از جمله تحولاتی بود

حکام باشد. «فرش در زندگی و فرهنگ اجتماعی ایرانیان دوره قاجار چنان اهمیتی یافت که بازتاب آن را هم در نقاشی‌ها و هم در عکس‌های دوره‌ی قاجار می‌توان دید»^{۱۶} برقراری ارتباطات گسترده سیاسی و تجاری با کشورهای غربی و تأثیر تحولات اجتماعی و صنعتی در غرب باعث جلب توجه اروپاییان به هنر قالی‌بافی ایران شد.

تجار ایرانی و در رأس آنها تجار تبریزی شروع به جمع‌آوری و صدور قالی‌های کهنه نمودند. پس از اندک مدتی به علت کمبود قالی کهنه در بازار، تولید فرش ابتدا از آذربایجان و سپس در سایر مناطق مستعد از جمله مشهد، سبزوار، اراک و کرمان با کمک و نقش مستقیم بازرگانان تبریز شروع شد. پس از اندک مدتی سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی متعددی دست به سرمایه‌گذاری‌های کلان در تولید و صادرات این هنر - صنعت نمودند. مهم‌ترین این شرکت‌ها عبارت بودند از:

- شرکت انگلیسی - سویسی «زیگلر»^{۱۷}

- شرکت ایتالیایی - انگلیسی «برادران کاستلی»^{۱۸}

- شرکت تجاری «قالی مشرق زمین نیویورک»^{۱۹}

- شرکت انگلیسی - یونانی «شرکت فرش شرق لندن»^{۲۰}

- نمایندگان کمپانی‌های دیگر چون تاوشانچیان - عطیه و...

بررسی مسایل و مشکلات فرش از قبیل کار کودکان و زنان، سازمان تولید فرش و کهنه‌کردن قالی برای فروش فهرست عناوینی است که مؤلف در ادامه به شرح آنها می‌پردازد.

در اواسط قرن نوزدهم میلادی پیشرفت علم شیمی موجب پیدایش رنگ‌های متنوعی شد. از جمله رنگ‌های آنلینی که ورود آنها به ایران علی‌رغم برخی تلاش‌های دولت وقت در جهت جلوگیری از گسترش استفاده از آنها، در دوره قاجار شروع شد.

به لحاظ گستردگی صادرات فرش در دوره‌ی قاجار و وجود گزارش‌های فراوان در این زمینه، مؤلف بخشی را به عنوان صادرات فرش در دوران قاجار به بررسی این موضوع اختصاص داده است. ارایه جداول مربوط به ارزش صادرات فرش ایران در آن دوره به تفکیک از طریق آذربایجان، خراسان، فارس، کرمانشاه و خلیج فارس به نقل از اقتصاددانی به نام دکتر احمد سیف از نکات قابل توجه این بخش می‌باشد. طرح‌های فرش در این دوره به واسطه‌ی سفارش‌های خارجی به سوی غرب گرایش پیدا کرد و گل‌های محمدی ایرانی به عنوان نگاره‌های زیبا بر روی فرش‌ها پدیدار شد و نام «گل فرنگ» به خود گرفت. با این حال به لحاظ پشتوانه‌ی فرهنگی هنری طرح‌های فرش ایران، پدیده‌های نوظهور و سبک‌های جدید خللی در سنت‌های طراحی فرش ایجاد نکرد. در این دوره خانواده‌های امامی در اصفهان و شاهرخی در کرمان در حفظ و تعالی هنر طراحی فرش سعی و آفری نمودند.

از جمله رویدادهای قابل ذکر در این دوره چاپ دو جلد کتاب با موضوع قالی برای اولین بار بود. این کتاب‌ها «تجارت قالی رنگین به رنگ‌های جوهری» و «یادگار حسن از آثار وین» می‌باشند.

سلسله قاجار با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش در عمل فرو پاشید و دوره‌ی پادشاهی پهلوی از سال ۱۳۰۴ ه.ش تا ۱۳۵۷ ه.ش تأسیس شد. مؤلف، فصل نهم کتاب را به بررسی تحولات فرش در دوره‌ی پهلوی اختصاص داده است. از جمله تحولات مهم این دوره تأسیس شرکت فرش

که گسترش آن در مناطق مختلف کشور باعث کاهش تقاضا برای فرش‌های دستبافت گردید.

مؤلف تحت عنوان «تشکیلات صنعت فرش در دوران پهلوی» به بررسی روند دولتی‌کردن صنعت فرش کشور پرداخته است. مؤسسه قالی ایران به عنوان اولین تشکیلات دولتی فرش در ایران در سال ۱۳۰۹ ه.ش تشکیل و هدف از تأسیس آن اصلاح و ترقی صنعت فرش ایران اعلام شد. پس از انحلال این مؤسسه و برچیده شدن بساط آخرین کمپانی فرش در ایران (کمپانی شرق لندن) به موجب تصمیم دولت، «شرکت سهامی فرش ایران» در دی ماه سال ۱۳۱۴ ه.ش تأسیس گردید. طبق این قانون حق انحصاری صدور قالی و قالیچه و نظارت بر تهیه آن از هر نوع به شرکت فرش واگذار گردید (اما عملاً توفیقی در این زمینه حاصل نشد). تأسیس موزه فرش ایران در بیست و دوم بهمن ۱۳۵۶ با هدف پژوهش در سوابق تاریخی، هنری و گردآوری انواع قالی‌های دستبافت ایرانی و برگزاری نمایشگاه‌های دائمی و موقت از دیگر وقایع مثبت این دوره می‌باشد.

استادان بزرگ قالی این دوره را می‌توان به پیروی از نوع فرش‌های تولید شده در این سال‌ها به دو گروه سنتی و نوگرا تقسیم کرد. از استادان سنتی بزرگانی چون عموعلی، ارجمند، صابر، عماد، صیرفیان و حقیقی و از استادان نوگرای این دوره استاد رسام عرب زاده، جمشید امینی و موسوی سیرت از هنرمندانی هستند که در کتاب به آنها اشاره شده است.

فصل دهم کتاب به بررسی تاریخ فرش در ربع قرن اولیه دوره جمهوری اسلامی که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید اختصاص یافته است.

استقرار روش پیمان‌سپاری ارزی از اولین اقدامات دولت جمهوری اسلامی در یافتن راه‌هایی برای تأمین ارز مورد نیاز کشور بود که برای صادرات فرش اعمال شد. بدین معنی که صادرکنندگان متعهد می‌شدند تا زمان معینی معادل مبلغ پیمان‌نامه ارز وارد کشور نموده و تحویل سیستم بانکی نمایند.

مؤلف در ادامه به بررسی استقرار نظام تولید انبوه فرش جهت رهایی از وابستگی به نفت و رفع مشکل بیکاری می‌پردازد. در این سال‌ها با تشکیل جهادسازندگی و تصدی‌گری این نهاد انقلابی، تعاونی‌های تولید فرش به صورت گسترده حمایت و توسعه یافت. با تبدیل نهاد جهادسازندگی به وزارتخانه این تلاش‌ها گسترده‌تر شد. با ادغام این وزارتخانه با وزارت کشاورزی و تشکیل وزارت «جهادکشاورزی» واحدهایی تحت عنوان «مرکز تحقیقات فرش» و «اداره کل فرش و صنایع دستی» در این وزارتخانه تشکیل و مشغول به کار شدند. فعالیت‌های موازی و همزمان وزارت تعاون شرکت فرش، سازمان صنایع دستی، کمیته امداد و... نیز سرعت بخش فرآیند تولید فرش در این سال‌ها شد.

استقرار نظام تشکیلات موازی در زمینه فرش عنوانی است که مؤلف برای پرداختن به مشکلات این نظام تولید که از مختصات این دوره بود، انتخاب کرده است. در قسمتی از این بخش می‌خوانیم: این

تشکیلات متعدد به انضمام حجم وسیع مقررات بازرگانی، گمرکی و ارزی مجموعه دامنه داری را شامل گردید که هرگونه تصمیم‌گیری در جهت هماهنگی، برنامه‌ریزی، سفارش‌پذیری، آینده‌نگری و ساماندهی صنعت فرش را با مشکل مواجه می‌کرد.

مؤلف در بخش آمار تولید فرش برآورد میزان تولید فرش را در سال ۱۳۷۳ هفت و نیم میلیون مترمربع اعلام و می‌نویسد: این میزان اوج صادرات فرش ایران است که تاکنون گزارش شده است. طی سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۳ صادرات فرش در یک دوره ۱۶ ساله به طور متوسط بالغ بر ۳۹ درصد صادرات غیرنفتی کشور را تشکیل می‌داد که از این تاریخ رو به کاهش نهاده است. کشور آلمان بزرگترین واردکننده فرش ایران طی این سال‌ها بوده است

بنا به نوشته مؤلف نظام آموزش دانشگاهی فرش در کشور تا دوران جمهوری اسلامی وجود نداشت. برنامه آموزش دانشگاهی فرش در سال ۱۳۷۴ مورد تصویب وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری رسید. بدین ترتیب فرش دستبافت به عنوان دانش جدید برای هنری‌کهن به دانشگاه راه یافت.

پژوهش و تحقیق در زمینه‌ی فرش پویایی است متمرکز بر جهت‌یابی، یافته‌اندوزی و نتیجه‌گیری که این مهم خیلی دیر در ایران به راه افتاد. زیرا فقدان زایش اندیشه تحقیق و نادیده گرفتن همبستگی ارگانیک «تولید» و «پژوهش» هنر صنعت فرش را با مشکل مواجه کرده بود.

بخشی نیز در این فصل به معرفی رویدادهای مهم در زمینه فرش اختصاص یافته است. از جمله: بیمه قالی‌بافان خانگی، ورود رایانه به دنیای فرش، جابجایی نقشه‌ها و طرح‌های قالی، بافت فرش‌های استثنایی و صدور شناسنامه برای فرش.

در صفحه‌ی ۳۵۵ این کتاب در مورد تأسیس مرکز ملی فرش ایران می‌خوانیم: به موجب بند اول نود و نهمین صورتجلسه شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۵ «مرکز ملی فرش ایران» وابسته به وزارت بازرگانی به منظور کاهش تصدی‌گری دولت در زمینه تولید فرش و وجود نهاد تصمیم‌گیری واحد در این زمینه، تشکیل شد.

مؤلف کتاب را با بخش «نتیجه و حاصل سخن» که طی آن به اهمیت پژوهش‌های تاریخی برای روشن ساختن چراغ آینده تأکید دارد، به پایان رسانده است.

کتاب تاریخ فرش نوشته‌ی فضل‌الله حشمتی رضوی اثری است ارزشمند و قابل استفاده برای دانشجویان و علاقه‌مندان فرش ایران که با استفاده از منابع و گزارش‌های مستند به رشته‌ی تحریر درآمده است.

از نکات بارز این کتاب، می‌توان به آوردن منابع هر فصل در انتهای همان فصل که باعث رجوع راحت و سریع‌تر خوانندگان به منابع مربوط می‌شود، ارائه جداول مربوط به صادرات فرش در دوره‌های قاجار، پهلوی و دوره جمهوری اسلامی و آوردن «نهادنامه»، «نام‌نامه» و «جاینامه» در آخر کتاب اشاره کرد.

در ذکر مشخصات جغرافیایی برخی مراکز بافت نکاتی دیده

می‌شود از جمله در صفحه‌های ۲۴ و ۲۷ کتاب از شهرستان هریس، به عنوان بخشی از توابع تبریز یاد شده است و نام شهر مهربان، «مهربان» آورده شده است. در صفحه‌ی ۳۰ شهر بخشایش، با عنوان روستایی در جنوب اردبیل معرفی شده، در حالی که این شهر در ۳۰ کیلومتری هریس، (مرکز شهرستان هریس) و از توابع همین شهرستان می‌باشد. هم‌چنین در همین صفحه شهرستان تکاب نیز یکی از بخش‌های «میان‌دوآب» معرفی شده است. در صفحه ۶۰ کتاب دهستان مود، روستایی در قانات معرفی شده در حالی که این دهستان از مراکز معروف قالی‌بافی جنوب شرق ایران و از توابع بخش مرکزی شهرستان بیرجند می‌باشد که در نزدیکی این شهر قرار دارد.

در فصل اول کتاب که تحولات کانون‌های بافت فرش آورده شده است به نظر می‌رسد معرفی ویژگی‌های فنی بافت مناطق از نظم معینی پیروی نمی‌کند، برای مثال تنها در مراکز کاشان و نائین به رجشمار فرش‌ها اشاره شده است. هم‌چنین در حالی که برخی مراکز کوچک و کم اهمیت در جغرافیای بافت فرش مانند «خسرو آباد»، «فریدن»، «نطنز» و گناباد پرداخته شده که به مناطق مهم‌تری از جمله مراغه، هشتروند، قوچان، سبزواری، نیشابور، بجنورد و طبس اشاره‌ای نمی‌شود.

در صفحه‌ی ۳۰ فرش «خوی» در آذربایجان غربی، محصولی نامرغوب و ارزان، معروف به فرش موصل خوانده شده است. در حالی که این شهر مرکز تولیدات مرغوب با رجشمار ۴۰ الی ۵۰ و اغلب با طرح ماهی درهم می‌باشد که با نام فرش تبریز به سایر مناطق داخلی و خارجی صادر می‌شوند.

در صفحه ۸۳ در مورد منشاء قالی‌های معروف به موصل اشاره می‌شود که «این‌گونه قالیچه‌ها را زمانی که معلوم نیست به چه دلیل، قالیچه موصل می‌نامیدند» در حالی همین مطلب در مورد قالی‌های «خوی» نیز اظهار شده است که آوردن چنین مطلب مبهمی در کتابی با عنوان «تاریخ فرش» قابل تأمل است. «در بازارهای مغرب زمین تحت عنوان نادرست موصل قالی‌هایی وجود دارند که دارای قیمت‌های مناسب و بافت متوسط هستند. اینها یا در همدان بافته می‌شوند یا در مناطق کوهستانی و غیر قابل دسترس ایران غربی... نام گذاری آنها احتمالاً به این دلیل است که در قرن نوزدهم شهر موصل مرکزی بوده است که قالی‌های کردستان قبل از اینکه به بازار قسطنطنیه برسند در این شهر جمع می‌شدند.»^{۲۱}

نویسنده در صفحه‌ی ۲۳۹ شروع پادشاهی سلسله قاجار را ۱۲۰۰ ه.ق و پایان آن را در حالی ۱۲۹۹ ه.ق ذکر می‌کند که چند سطر بعد اشاره به صدور فرمان مشروطیت از طرف مظفرالدین شاه به سال ۱۳۲۴ ه.ق می‌کند. تاریخ صحیح سال آخر حکومت قاجار ۱۳۲۹ ه.ش می‌باشد. عدم توجه به تاریخ‌های شمسی و قمری باعث شده تا نویسنده در ادامه (همان صفحه) به اشتباه مدت حکومت این سلسله را یک قرن اعلام کند. در حالی که در منابع تاریخی، تاریخ صحیح شروع و پایان این سلسله ۱۲۱۰ ه.ق تا ۱۳۴۲ ه.ق یعنی ۱۳۳ سال ذکر شده است.^{۲۲}

هم‌چنین در صفحه ۳۱۲ در بخش ج، گزارش امیر اصلاص افشار، تاریخ این گزارش ۱۳۳۶/۳/۳ اعلام شده است. در حالی که متن گزارش با این عنوان شروع می‌شود. «وضع بازار فرش ایران از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵». با تطبیق این سال‌های میلادی با سال‌های شمسی متوجه می‌شویم که سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ شمسی فاصله اشاره شده در متن گزارش است. یعنی تاریخ اعلام شده نویسنده برای این گزارش (۱۳۳۶/۳/۳) سال جلوتر از وقوع موضوع گزارش است.

مؤلف در بخش پیمان‌سپاری ارزی در صفحه‌ی ۳۲۷، تاریخ ابلاغ این قانون را اردیبهشت ۱۳۵۸ اعلام می‌کند، ولی در مورد سال حذف این قانون فقط اشاره دارد که چند سال بعد مقررات پیمان‌سپاری حذف و قیمت‌های واقعی فرش‌های صادراتی اعمال شد.

در بخش منابع که در انتهای هر فصل به ترتیب استفاده در متن آورده شده و از نکات قوت کتاب می‌باشند، مواردی قابل ذکر هستند، از جمله: عدم وجود شماره صفحه در برخی منابع مانند، منبع شماره ۶ در صفحه ۸۷، شماره ۸ و ۹ در صفحه ۸۸، شماره ۳ در صفحه ۱۰۲ و نیز در منابع شماره ۲ در صفحه ۱۴۵، شماره ۴ در صفحه ۲۳۸، شماره ۱۲ در صفحه ۲۷۸ نام ناشر قید نشده است. در منبع شماره ۱۴ صفحه‌ی ۱۴۶ و شماره ۳۱ در صفحه ۱۴۷ نام ناشر، محل و سال نشر، و شماره صفحه و در منبع شماره ۲ در صفحه ۱۶۲ و منبع شماره ۴ در صفحه ۲۷۳ ناشر، محل و سال نشر قید نشده است. هم‌چنین در صفحه ۷۳ مطلبی در مورد طوایف ترکمنی به نقل از جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله... همدانی و در صفحه ۸۷ مطلبی به نقل از ابن خلدون آورده شده ولی در ذکر منابع نامی از آثار این مورخان به میان نیامده است.

در مورد منبع تصاویر که در آخر کتاب قید شده‌اند، تصویر شماره ۵۷ فاقد تاریخ چاپ، و شماره ۷۵ و ۷۷ فاقد منبع و تصویر شماره ۷۶ فاقد ناشر می‌باشند. هم‌چنین تصویر فرش شماره ۱۰۵ در صفحه ۲۷۲ بافت کردستان ذکر شده است که با توجه به تعدد مناطق بافت در استان کردستان باید نام یکی از شهرهای استان قید می‌شد.

مؤلف در صفحه‌ی ۲۰۸ طرح افشان را از گروه‌های فرعی طرح شاه‌عباسی ذکر می‌کند در حالی که طرح افشان به لحاظ ساختار طراحی و جایگیری نقش‌مایه‌ها در ترکیب طرح یکی از گروه‌های مستقل طبقه‌بندی ۱۹ گانه از طرح‌های فرش توسط شرکت سهامی فرش می‌باشد.

در صفحه‌ی ۲۸۹ در بخش رسمیت یافتن متر در معاملات فرش، اندازه ذرع ۱۰۴ سانتی متر قید شده در حالی که ذرع در ایران همواره اندازه‌های متفاوت داشته که «رایج‌ترین آنها ذرع فارسی ۱۰۴ سانتی متر و ذرع تبریزی یا (ترکی) معادل ۱۱۲ سانتی متر می‌باشد.»^{۲۳} که بهتر بود هر دو اندازه با قید محل کاربرد قید می‌شد.

با توجه به حجم زیاد کتاب (۴۱۱ صفحه) امکان بهره برداری مناسب برای دانشجویان در طول یک ترم مشکل به نظر می‌رسد، بنابراین با دقت در موضوع کتاب و پیش‌گفتار مؤلف تصور می‌شود برخی مطالب بیان شده در این کتاب که در اغلب کتاب‌های عمومی فرش نیز یافت می‌شوند، می‌توانست در این مجموعه آورده نشود تا

حجم کتاب از اندازه‌ی مطلوبی برخوردار شود. با آنکه نویسنده محترم در پیش‌گفتار کتاب عنوان می‌کند که «چشم‌انداز و بحث اصلی ما بر محور دستبافته‌های خوابدار و گره‌خورده که به آن قالی گفته می‌شود، استوار است» ولی در صفحه ۲۱۳ در بخشی با عنوان «فرش تخت بافت»، به بررسی گلیم‌های دوره‌ی صفوی پرداخته است. در حالی که تخت‌بافی یکی از تکنیک‌های سه‌گانه (تخت، لول، نیم لول) بافت قالی‌گره‌دار می‌باشد،^{۲۴} که در مناطق عشایری به وفور دیده می‌شود. اساساً فرش گره‌خورده قالی‌نامیده می‌شود که موضوع اصلی این کتاب است و آوردن عنوان فرش تخت بافت برای بررسی گلیم مناسب به نظر نمی‌رسد.

هم‌چنین در صفحه‌ی ۳ پیش‌گفتار کتاب اشاره شده که هدف از تألیف کتاب بررسی تاریخ فرش ایران است ولی آوردن مطالبی راجع به فرش‌های سده‌های نخستین اسلامی در مناطق خارج از ایران مانند فرش‌های قسطنطنیه صفحه ۱۵۸، مسجد علاءالدین قونیه صفحه ۱۵۹، فرش‌های سلجوقی عثمانی صفحه ۱۵۹ با عنوان و پیش‌گفتار کتاب مغایرت دارد.

مؤلف بخش‌هایی را با عناوین «کار زنان و کودکان» در صفحه ۲۸۵، «آفت جفتی بافتی و بی‌گره بافی» در صفحه ۲۸۷، «تشکیلات و تجهیزات شرکت فرش» در صفحه ۲۹۷ و حتی بخش‌های توصیفی «تحولات کانون‌های بافت فرش» (صفحه ۲۳ الی ۸۷) در متن کتاب آورده است که به نظر می‌رسد علی‌رغم مفید بودن این مطالب، ارتباط مستقیم با عنوان کتاب و تاریخ فرش ایران نداشته باشند و خواننده می‌تواند این مطالب را در کتب مربوطه به طور کامل و دقیق‌تر مطالعه نماید.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - این فرش با ابعاد ۱۸۹ در ۲۰۰ سانتی متر و با رج‌شمار ۴۲ گره در هر ۷ سانتی متر در سال ۱۹۴۹ م در گور پنجم از مجموعه گورهای یخ زده اقوام سکایی واقع در منطقه پازیریک در نزدیکی مرز مغولستان با شوروی کشف شد. طرح‌ها و نقوش به کار رفته در این فرش آشکارا حکایت از ریشه‌های مشترک با نقوش حجاری‌های تخت جمشید دارند. تاریخ بافت این فرش به ۵۰۰ سال قبل از میلاد بر می‌گردد.
- ۲ - پژوهشگر و مولف چندین جلد کتاب در زمینه فرش‌های عشایری فارس

3- Rudenko

- ۴ - ر. دلیو فریه، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: انتشارات فرزاد، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷۴.
- ۵ - مسکویه رازی، تجارب الامم، جلد اول، ترجمه ابولقاسم امامی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹، ص ۳۲۶

6- Sui su

7-Barbaro

- ۸ - این فرش از معدود فرش‌های تاریخ دار دوره صفوی به شمار می‌آید که تاریخ بافت آن (۹۴۶ ه. ق) به همراه شعری از حافظ و نام بانفذه فرش (مقصود کاشانی) بر روی آن بافته شده است. این قالی در

ردیف بهترین قالی‌های جهان قرار دارد. ابعاد آن ۵۳۴ در ۱۰۲۸ سانتی متر است که با رج‌شمار ۴۵ گره در ۶/۵ سانتی متر بافته شده است. این فرش توسط شرکت زیگلر از ایران خارج و اکنون در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن قرار دارد.

9-Dellavalle

10-Jean chardin

11-Krusinski

12-Savory

13-Richard Hakluyt

14-Sir john malkom

- ۱۵ - قاسم انصاری رنانی. قنبرعلی کرمانی، تجارت در دوره قاجاریه، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰، ص ۱۴.
- ۱۶ - تورج ژوله، پژوهشی در فرش ایران، تهران: انتشارات یساوی، ۱۳۸۱، ص ۱۸.

17-Zigler Co

18- Nearco Casteli Brothers

19- Estern Rug Trading Co of New york

20- Oriental Carpet Manufacturing of London.

- ۲۱ - آرمن هانگلیدن، قالیهای ایران، ترجمه اصغر کریمی، تهران: انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۷۵، ص ۷۷.
- ۲۲ - قاسم انصاری رنانی، قنبرعلی کرمانی، تجارت در دوره قاجاریه، ص ۴.
- ۲۳ - محمود روفه گرحق، آموزش تخصصی و مهارتی قالیبافی، تبریز: انتشارات احرار، ۱۳۸۹، ص ۵۸.
- ۲۴ - تورج ژوله، پژوهشی در فرش ایران، ص ۱۱۳.

فهرست منابع:

- ۱ - انصاری رنانی. قاسم و قنبرعلی کرمانی، تجارت در دوره قاجاریه، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.
- ۲ - خشکنایی سید رضاء، ادب و عرفان در قالی ایران انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۸
- ۳ - روفه گرحق، محمود. آموزش تخصصی و مهارتی قالیبافی، تبریز: انتشارات احرار، ۱۳۸۹.
- ۴ - ژوله، تورج، پژوهشی در فرش ایران، تهران: انتشارات یساوی، ۱۳۸۱.
- ۵ - فریه. ر. دبلیو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: انتشارات فرزاد، ۱۳۷۴.
- ۶ - مسکویه رازی، تجارب الامم، جلد اول، ترجمه ابولقاسم امامی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
- ۷ - هانگلیدن. آرمن، قالی‌های ایران، ترجمه اصغر کریمی، تهران: انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۷۵.

8- Ford , D.R.J ; Oriental Carpet Design , London: Thames & Hudson LTD , (2002)